

# گلنار تابنده

GOLNAR  
TABIBZADEH

ASSAR  
ART  
GALLERY

[www.assarartgallery.com](http://www.assarartgallery.com)

تهران، کریمخان زند، خیابان لرزشهر، کوچه رفوشان، شماره ۱۶  
کد پستی ۱۵۸۴ تلفن: ۸۸۳۲۶۶۸۱ فکس: ۸۸۳۳۹۲۷  
16 BARFOROUSHAN ALLEY,  
IRANSHAHR ST., KARIMKHAN ZAND ST.,  
15836 TEHRAN-IRAN.  
PHONE: (+9821)88326689  
FAX: (+9821)88343947  
[info@assarartgallery.com](mailto:info@assarartgallery.com)





“جعبه‌ی پاندورا”  
“PANDORA'S BOX”

## Golnar Tabibzadeh

1983 Tehran, Iran **Education** 2005 BA, Painting, Azad University of Art and Architecture, Tehran, Iran **Solo Exhibitions** 2013 Pandora's Box, Assar Art Gallery, Tehran, Iran 2009 Etemad Gallery, Tehran, Iran 2009 Relief, Nar Gallery, Tehran, Iran 2008 Memories of the Others, Mehrva Gallery, Tehran, Iran 2007 Visual Diary, Kulturgeschichtlichen Museum, Osnabruck, Germany 2007 Mehrva Gallery, Tehran, Iran 2004 Atbin Gallery, Tehran, Iran **Group Exhibitions** 2013 Ars Visibilis, Museo de Almeria, Almeria, Spain 2011 Spinnerei Gallery, Leipzig, Germany 2011 ITU (Istanbul Technical University), Istanbul, Turkey 2011 Artgalerim, Istanbul, Turkey 2010 SheMade, Homa Gallery, Tehran, Iran 2010 Atbin Gallery, Tehran, Iran 2008 Heaven on Earth, The Brick Lane Gallery, London, UK 2007 Collected Memories, Artspace Gallery, London, UK 2007 Mehrva Gallery, Tehran, Iran 2006 Mah Gallery, Tehran, Iran 2006 Deeper Depression, Atbin Gallery, Tehran, Iran 2003 Laleh Gallery, Tehran, Iran 2000 Laleh Gallery, Tehran, Iran **Awards & Events** 2012 Tâches-Tâches International Painting Symposium, Normandy, France 2011 Artist in residence, Leipzig International program (LIA), Leipzig, Germany 2010 Tâches-Tâches International Painting Symposium, Normandy, France 2008 2nd prize, Emmar International Art Symposium, Dubai, UAE 2007 Malerie Workshop, Morgenlad Festival, Osnabruck, Germany **Experience** 2012 Art Expression Mobile Workshop Director and Instructor, Amsterdam, Athens, Osnabruck, Milan and many other cities across the world 2012-2011 Art Expression Workshop Director and Instructor, Istanbul, Turkey 2011 Guest Lecturer, Drawing, Istanbul Technical University, Istanbul, Turkey 2009 Art Instructor, Institute of Visual Arts, Tehran, Iran 2006-2002 Freelance Graphic Designer, Tehran, Iran

### گلنار طبیب‌زاده

۱۳۶۲ تهران، ایران **تحصیلات** ۱۳۸۴ لیسانس نقاشی، دانشگاه آزاد، تهران، ایران **نمایش‌های انفرادی** ۱۳۹۲ جعبه‌ی پاندورا، گالری اثر، تهران، ایران ۱۳۸۸ گالری اعتماد، تهران، ایران ۱۳۸۸ گالری نار، تهران، ایران ۱۳۸۷ خاطرات دیگران، گالری مهروا، تهران، ایران ۱۳۸۶ خاطرات تصویری، اسنابروک، آلمان ۱۳۸۶ گالری مهروا، تهران، ایران ۱۳۸۳ گالری آتبین، تهران، ایران **نمایش‌های گروهی** ۱۳۹۲ موزه آلمریا، آلمریا، اسپانیا ۱۳۹۰ گالری اسپینرای، لایپزیگ، آلمان ۱۳۹۰ دانشگاه فنی استانبول، استانبول، ترکیه ۱۳۹۰ آرت گلریم، استانبول، ترکیه ۱۳۸۹ شی مید، گالری هما، تهران، ایران ۱۳۸۹ گالری آتبین، تهران، ایران ۱۳۸۷ بهشت روی زمین، گالری بریک لین، لندن، انگلستان ۱۳۸۶ خاطرات جمع آوری شده، گالری آرت اسپیس، لندن، انگلستان ۱۳۸۶ گالری مهروا، تهران، ایران ۱۳۸۵ گالری ماه، تهران، ایران ۱۳۸۵ افسردگی عمیق تر، گالری آتبین، تهران، ایران ۱۳۸۲ گالری لاله، تهران، ایران ۱۳۷۹ گالری لاله، تهران، ایران **جوایز و فعالیت‌های حرفه‌ای** ۱۳۹۱ سمپوزیوم بین‌المللی نقاشی تاش - تاش، نرماندی، فرانسه ۱۳۹۰ دوره‌ی تخصصی هنر، لایپزیگ، آلمان ۱۳۸۹ سمپوزیوم بین‌المللی نقاشی تاش - تاش، نرماندی، فرانسه ۱۳۸۷ مقام دوم، سمپوزیوم بین‌المللی امار، دویی، امارات متحده عربی ۱۳۸۶ کارگاه مالری، فستیوال مورگن لند، اسنابروک، آلمان **سایر فعالیت‌ها** ۱۳۹۱ مدیر و مدرس کارگاه آرت اکسپرشن، آمستردام، آتن، اسنابروک، میلان و شهرهای دیگر ۱۳۹۱-۱۳۹۰ مدیر و مدرس کارگاه آرت اکسپرشن، استانبول، ترکیه ۱۳۹۰ مدرس مهمان رشته‌ی طراحی، دانشگاه فنی استانبول، ترکیه ۱۳۸۸ مدرس، موسسه هنرهای تجسمی، تهران، ایران ۱۳۸۵-۱۳۸۱ گرافیست، تهران، ایران

ASSAR  
ART  
GALLERY  
نکارخانه‌ی  
آر

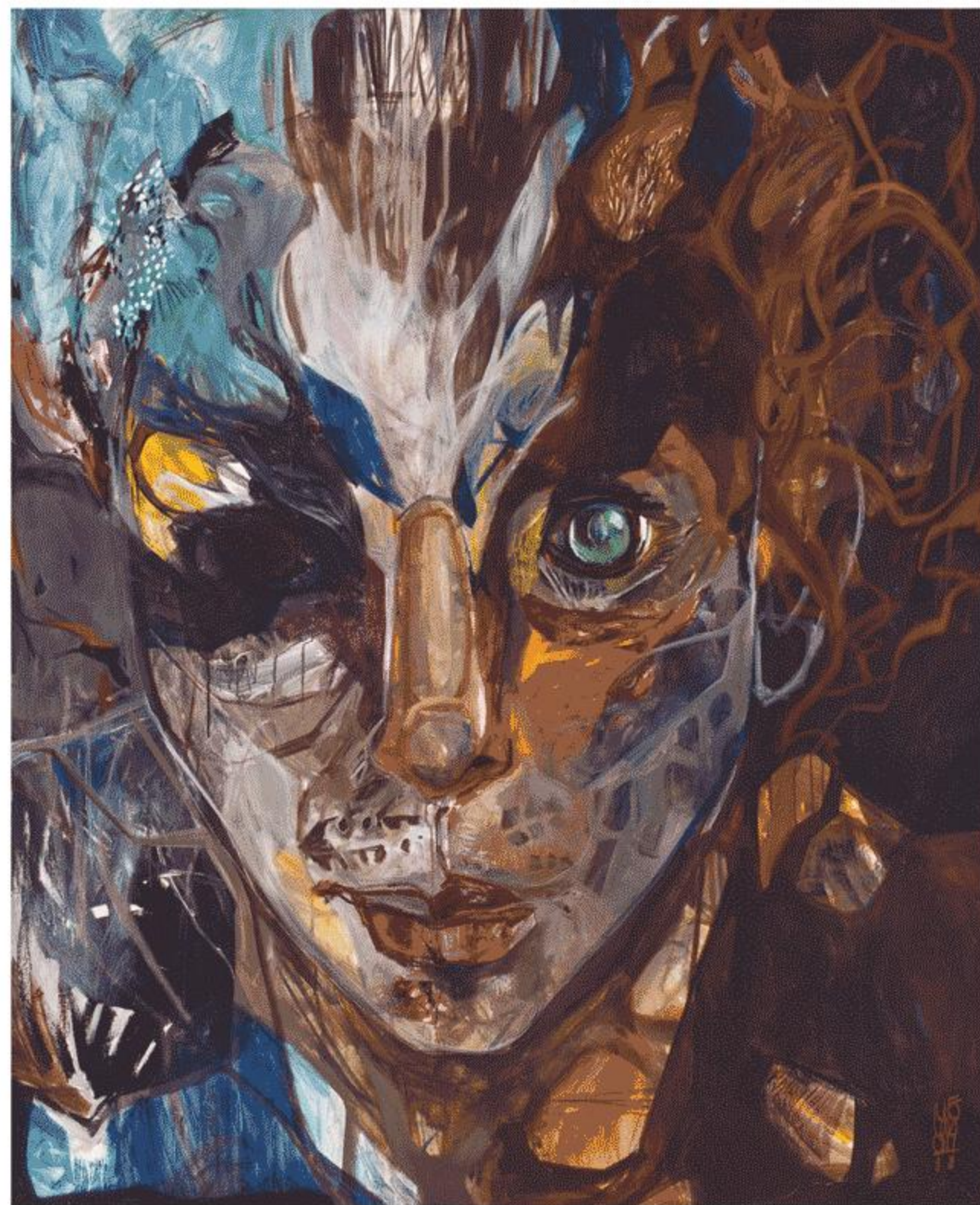
All rights reserved  
No part of this publication may be copied or transmitted  
in any form or by any means without the prior written permission of Assar Art Gallery.  
Printed in April 2013  
Art Director & Graphic Designer: Iman Safaei - Dabestan Studio  
Production Manager: Hooyar Asadian



آینه از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، باند پانسمان، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۵۲×۱۱۲ سانتی‌متر، ۱۳۹۱  
*Looking Glass from the Pandora's Box series, acrylic, cotton bandage, marker, pen and pencil on canvas, 152x112 cm, 2012*



مسخ از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۶۹×۱۳۹ سانتی‌متر، ۱۳۸۹  
*Metamorphoses from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 169x139 cm, 2010*



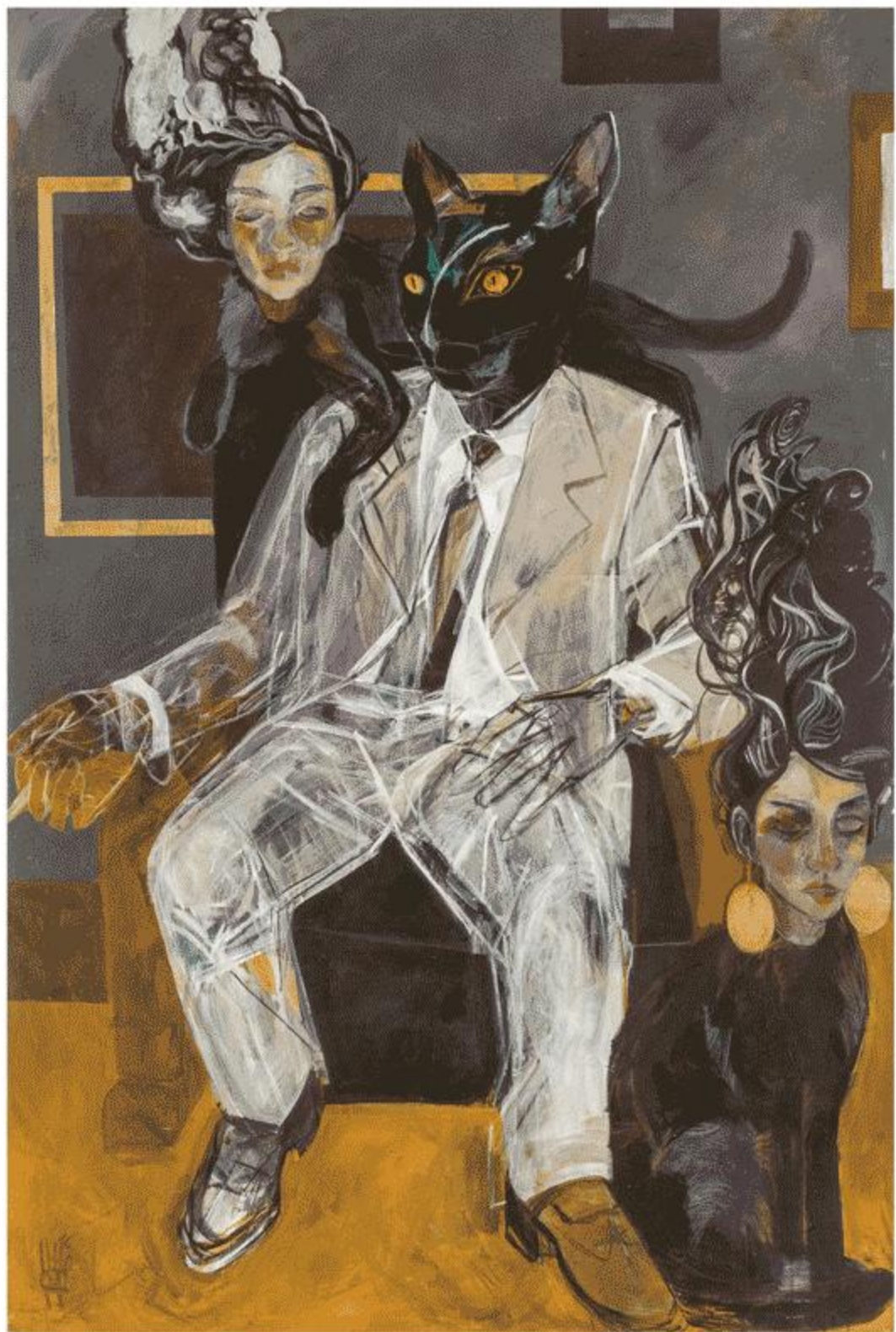




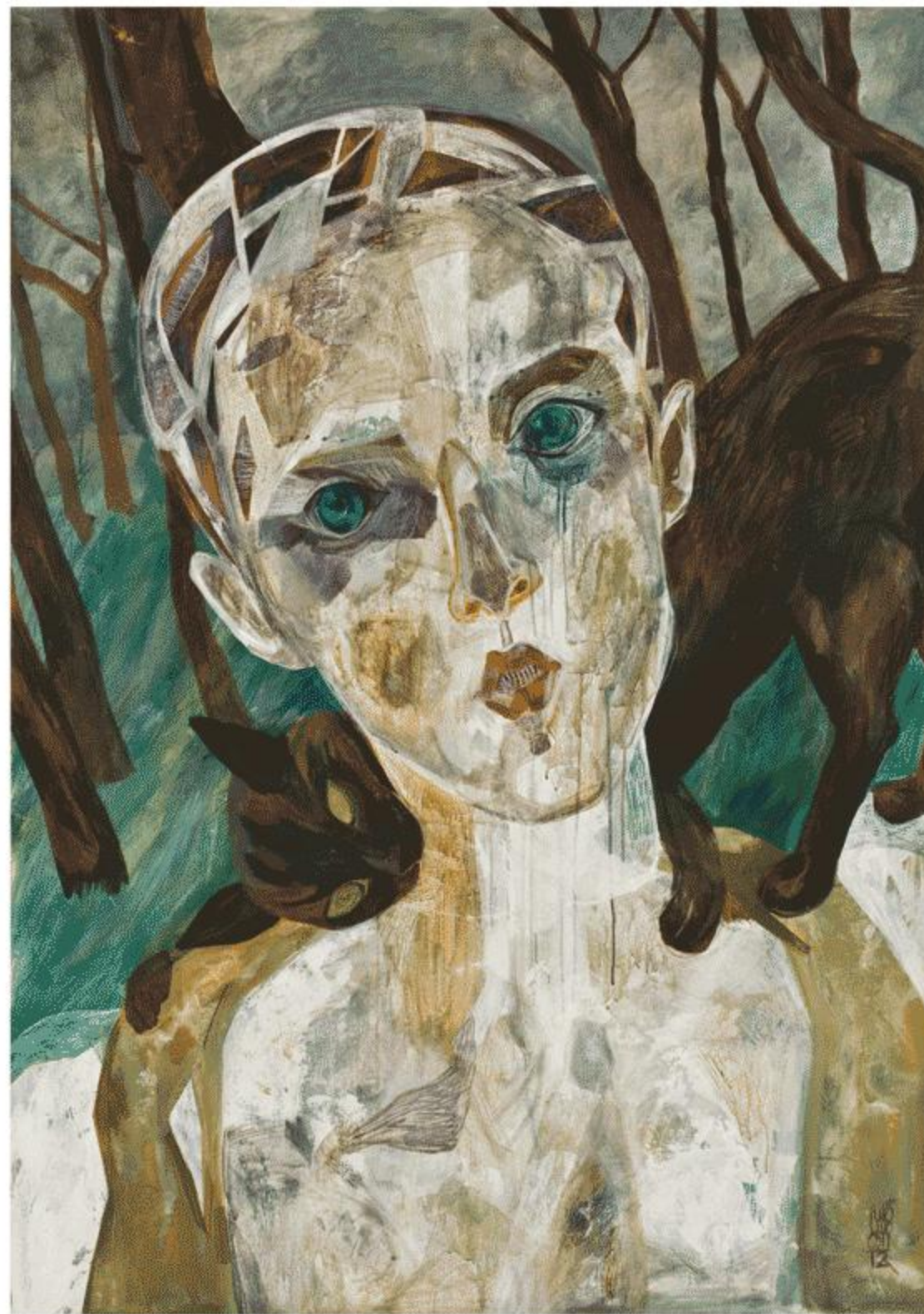
زاغدار از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۲۴×۱۷۶ سانتی‌متر، ۱۳۹۰  
Crowed from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 176x124 cm, 2011



بهموت از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۷۴×۱۲۰ سانتی‌متر، ۱۳۹۰  
*Behemoth from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 174x120 cm, 2011*



نیش از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۶۹×۱۱۹ سانتی‌متر، ۱۳۹۱  
*Bite from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 169x119 cm, 2012*





جنگ از مجموعه‌ی جعبه‌ی پاندورا، اکریلیک، باند پانسمان، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۲۰۵×۳۲۱ سانتی‌متر، ۱۳۹۰  
War from the Pandora's Box series, acrylic, cotton bandage, marker, pen and pencil on canvas, 205x321 cm, 2011





انتظار از مجموعه ی جعبه ی پاندورا، اکریلیک، ماژیک، خودکار و مداد روی بوم، ۱۸۰×۱۶۵ سانتی متر، ۱۳۹۱  
*Attending from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 180x165 cm, 2012*







شمایل از مجموعه ی جعبه ی پاندورا، اکریلیک، مازیک، خودکار و مداد روی بوم، ۲۰۰×۱۰۴ سانتی متر، ۱۳۹۱  
*Icon from the Pandora's Box series, acrylic, marker, pen and pencil on canvas, 200x104 cm, 2013*



## رویاورزی‌هایی به زبان محلی مدرن

گلنار طیب‌زاده بخشی از خود را در هر نقاشی می‌گذارد. میزان صمیمیت و اتوبیوگرافیک بودن آثار او بسیار جسورانه است. هر یک قصه‌ای است. هر تصویر روایتی در خود دارد که قابل کشف است. زیبایی و رمز آلودی نقاشی‌ها شرح روشنگری بر داستان‌ها و فراخوانی‌های رویاگون است. در نقاشی‌های او زنان زیبایی کم نظیری دارند. هیچ یک از آن‌ها نمونه‌ای کامل نیست اما همه سرشار از زنانگی‌ای فوق‌العاده و آکنده از روح‌اند. نقاشی‌های او اسطوره‌اند. گربه، مار و ماهی، شخصیت‌هاییند که در موضوعات و نفس متغیر آثار او حضور دارند. نقاشی‌ها دارای اصالت وجودند. از نظر وجود گرایان، وجود بر ذات مقدم است.

نقاشی‌ها همچون صحنه‌ای قاب عکسی در فضای نمایشند. سوژه‌ها، رویاهایشان را در ساختار نقاشی به نمایش در می‌آورند. آن‌ها، از سویی رویا و از سویی دیگر مطالعات عمیق نقاش دربارۀ آگاهی و عشق‌اند. آن‌ها به دنبال ارزش و معنایند. در پس احساس سطحی تشویش و درد، عمقی روان‌شناسانه نهفته است. هر یک از افراد آثار او دارای شخصیتی مشخص و جامع است که با مهارت تزیینانه و بسیار دقیق هنرمند پرداخته شده است.

او نقاشی است که از خطر کردن هراس ندارد. نقاشی‌های او همچون داستان‌ها و رمان‌هایی‌اند که در نگاهی لحظه‌ای خلاصه شده‌اند. ما می‌خواهیم [درونیات و احساسات] خود را به دیگری که اهمیت می‌دهند ابراز کنیم چون برای ما هم کسانی که به ایشان عشق می‌ورزیم، و می‌بایم تا عشق بورزیم، و مایلیم که عشق بورزیم اهمیت دارند. همه‌ی این‌ها برای این است تا بتوانیم به گونه‌ای به تعبیر و برداشت‌های بسیار مهم که اغلب باید از اولیای امور یا کسانی که تلاش می‌کنند به ما بگویند واقعیت‌مان چیست پنهان نگاه داشته شوند بپردازیم.

می‌توان واقعیت‌مان را همچون یک پرسپکتیو در نظر گرفت. پرسپکتیو در نقاشی مهم و نمادین است. در نقاشی‌های گلنار، گاهی پرسپکتیو هوایی وجود دارد، بوم فضایی ایجاد می‌کند و فیگورها در آن سفر می‌کنند - فضای داخلی بی‌کران - شامل شناسایی از اشکال نمادین. در آثار او سوژه و اشیا وجود دارد. سوژه، مخاطب است. شمایل شناسی‌ای انتقادی. همان‌طور که در تصاویر سینمایی یا عکاسی به شکلی نمادین نشان داده شده است، تغییری در مفهوم فضا آن گونه که در دورۀ رنسانس مطرح بوده رخ داده است. طغیان علیه کلاسیسیسم، عصبانی میان اندیشه‌ی آپولونی و دیونیزی است؛ نبردی دیرینه در عصر مدرن. گلنار با آنچه توقع می‌رود مبارزه می‌کند.

به نقاشانی فکر می‌کردم که بتوانم گلنار طیب‌زاده را با آنان مقایسه کنم. یکی از کسانی که به ذهنم رسید مارک شاگال بود؛ نقاشی غیر آیین مدار که به هیچ مکتبی تعلق ندارد. طیب‌زاده، همچون شاگال، هنرمندی است که انتظارات را به چالش می‌کشد و مکاتب و ایده‌های متفاوت را درهم می‌آمیزد. هنرمندان صاحب سبک، از منابع الهام و ارجاعات بسیاری بهره می‌گیرند. شاگال و برای بسیاری از هم‌عصرانش عمل کرد، و به احتمالی از آن‌جا که بیشتر انسان‌گرا بود تا تقلیدگرا، نبوغش درست فهمیده نشد. آثار او بر آثار بسیاری از هم‌دوره‌هایش برتری داشت و از آنان پیشی گرفت. "عروسک‌های پنهان" طیب‌زاده، اثری دولته‌ای، رویایی است که لته‌ای چپی که در آن فضای نمایش به فضای اداری مدرنی در دانشگاه یا شهر بیشتر شباهت دارد اسرار آمیزتر از لته‌ای راستی است که در آن فضا به مکانی برای تصمیم‌گیری تبدیل می‌شود. خودکشی یا [ادامه‌ی] زندگی؟ از پنجره بیرون پریدن؟

بسیاری از سوژه‌های گلنار رازناتی تشکیل می‌دهند که در لحظه‌ای از آرامش و تمنا، و نه در انفعال، آرمیده‌اند. آنان آکنده از بوی انتظارند، معشوقانی در انتظار عشق و ورزیدن. هر چند که مردان نقاشی‌های او سردرگم‌تر و مرددتر از زنان به نظر می‌آیند. نقاشان می‌خواهند از پوست خود بیرون زنند تا رویاهایشان را باز نمایند و برای آن مخاطبی پذیرا یابند. آثار طیب‌زاده صادقانه حس‌مدارند اما به هیچ وجه از هیچ چارچوبی بیرون نمی‌زنند و برای نمایش در فضای عمومی مناسبند.

برای درک نقاشی‌های او، مخاطب باید بپذیرد که دو سطح از آگاهی وجود دارد. نقاشی‌های او عمیق و بسیار شخصی‌اند و او آزادانه درباره‌ی امیال و احساسات شخصی خود سخن می‌گوید اما تنها کسانی قادر به دیدن این درونیاتند که به جستجو علاقمند بوده و از سطح ظاهری نقاشی عبور کرده و به لایه‌های زیرین آن می‌نگرند و در وهله‌ی نخست با اثر چون آینه‌ای که بازتاباننده‌ی دل و هویت خودشان است مواجه می‌شوند و سپس به آن به شکل نمایی از یک رویا می‌نگرند.

نقاشی‌های او شبیه مینیاتورهای ایرانی‌اند. سنت مینیاتور در پابرجا کردن گلنار در سنتی که بخش مهمی از تاریخچه‌ی فرهنگی او به شمار می‌آید نقشی اساسی داشته است. صمیمیت، عظمت یا درهم بافتگی صحنه‌های فیگوراتیو در طول تاریخ در این نقاشی‌ها دیده می‌شوند.

او خود را نقاشی بیان‌گر و احساسی می‌داند. او همچنین می‌تواند بیانگری از میراث فرهنگی ایران باشد. مکتب بیانگری در واکنش به دور شدن از انسانیت که نتیجه‌ی صنعتی‌گری و مدرنیته بود و همچنین رشد فرهنگ شهری و اجتماع با فرهنگ که انتظار داشت هنر با تظاهر، به ظرافت و حتی به کمک زیبایی کلاسیک قدرت خود را پنهان نگاه دارد شکل گرفت.

در رویاها، گفته می‌شود هنرمندان بیانگر زمانی به بار می‌نشینند که اصالت رخت بریندد و مناسبتی با امور جاری افراد متوسط وجود نداشته باشد. من از گلنار طیب‌زاده که سنت شکن است خوشم می‌آید. سنت شکنی همچون کسانی که بطور مستقیم و بی‌واسطه حرفه‌ی نقاشی را به شیوه‌ای برمی‌گزینند تا زبان محلی شخصی‌ای و منحصر بفرد بوجود آورند.

فرانک شیفرین \*

\*فرانک شیفرین هنرمند، برگزارکننده نمایش و منتقد امریکایی است.

## Dreamscapes in a Modern Vernacular

Golnar Tabibzadeh puts something of herself in each painting. They are courageous to be so intimate and autobiographical. They are stories. Each image carries a back-story that can be known or inferred. Their beauty and mystery illuminated stories and dreamlike evocations.

The women in her paintings have a rare beauty. They are not perfect specimens, but are rich and redolent with great femininity and spirit. The paintings are mythic. Cats, serpents and fish are characters that exist within the shifting self and subject of the works. They are existential. The existentialists believe that existence precedes essence.

The paintings are proscenium stages of theatrical space. The subjects enact their dreams within painting structure. They are dreams on one hand and on the other are deep investigations into consciousness and love by the painter. They are seeking values and meaning. There is psychological depth beyond superficial angst and pain, each person in her oeuvre is a very specific and a detailed personality characterized by razor sharp perceptive skill.

She is a painter who is not afraid of taking risks. Her paintings are stories and novels encapsulated in an instant glance. We want to express ourselves to others who care as we care about who we love, find to love, want to love- to be able to somehow deal with the perceptions that are so important but often must be hidden from authorities or those who try to tell us what our reality is-our reality can be viewed as a perspective.

Perspective is important and symbolic in painting. In Golnar's painting there is an aerial perspective sometimes, the canvas creates a space and figures travel within it-an interior space that is boundless, an iconology of symbolic forms. There are subjects and objects. The subject is a spectator. It is a critical iconology. There has been a shift from Renaissance space as symbolized by the filmic or photographic image. The rebellion against classicism is between the Apollonian and the Dionysian, an old battle in the modern era. Golnar defies expectations.

I was thinking of painters who I could compare her to. Marc Chagall came to mind as one example. A non-doctrinaire painter who belongs to no school. Tabibzadeh as well as Chagall are artists who defy expectation, who combine schools and ideas. Artists who are who accept many inspirations or references. Chagall went beyond many of his contemporaries and his genius was misunderstood perhaps, because he was more of a humanist than reductionist. His work triumphed over and was greater than many of his contemporaries.

In "Cotton Dolls," a diptych, a dream, more mysterious where the theatrical space looks like a modern institutional area in a college or town then becomes a place where there is a decision. Is it suicide or life, jumping out the window?

Many of her subjects are in repose women in a moment of peace and expectation, not passively. They are expectant-redolent. They are lovers waiting to love although the males seem more confused and indecisive than the women in the paintings.

Painters want to break through to express their dreams and to find a receptive audience. Her work is honest. It is sensual but not out of bounds, in any way. It is appropriate for public viewing in any kind of open space.

To see her paintings, one has to accept there are dual levels to consciousness. They are deep and intensely private, open about desire and private feelings but only for those who are willing to seek and look at the paintings below the surface level willing to dive in first as a mirror of their own hearts and identity and then as a dreamscape.

They are like Persian miniatures. The tradition of Persian miniatures has a claim of establishing Golnar in a tradition that is very much a part of her cultural history. The intimacy, the grandeur or complex figurative scenes can be seen historically.

She sees herself as an expressionist, in an emotional painter. She could also be an expressionist of Persian cultural legacies. Expressionism developed as response to the de-humanization of industrialization and modernity, the growth of urban culture and polite society that expected art to withhold its power with pretension, finesse, or even classical beauty.

In the dreams, it is said that expressionist artists come to fruition when there is a lack of authenticity and relevance to the pursuits of average people.

I like Golnar Tabibzadeh, who is an iconoclast in the best sense of those who directly approach the act of painting in a style that creates a personal vernacular that is unmistakable.

Frank Shifreen\*

\*American artist, curator and art critic